

جیع بنفش

جیع بنفش

**این ستون برای آگاهی مسئولان و پیگیری شنیده‌ها، انتقادها و نظرات مخاطبان منتشر می‌شود**

## مگر اجساد ما را از پاسگاه ببرید!

**سید خلیل سجاد پور** - هیچ در دوره عمر خود با حسرت و اندوه دست به گریبان بوده اید؟

آیا قلب شما نگران گاهی در تاریکی های احساسات مدفون گشته است؟

رنج و الم! این رفیق مهربان بنی آدم! هیچ بیش از حدودی که قدرت می تواند آن را تحمل کند بر روح و جسم شما مستولی شده است؟ یا آن که در بیش از ۳ دهه حادثه نگاری با صحنه های دلخراشی مانند قتل کودکان به خاطر زخم های کاری فقر و بیهوده ام ولی امروز تنها روح زنجیده ام می تواند بر سوزش جراحات درونی ام واقف شود.

آری! سخن از مرد معنادی است که وقتی شنید نبروهای انتظامی او را به مرکز ترک اعتیاد اجباری (خانه سبز) منتقل می کنند به سوی دختر ۱۱ ساله و پسر ۱۴ ساله اش هجوم برد و فریاد زد «مگر اجساد ما را از پاسگاه بیرون ببرید! او شاید تحت تاثیر توهم ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی بود اما نمی خواست به مرکز ترک اعتیاد برود! و قصد داشت

به همان زندگی سیاه و فلاکت بارش ادامه دهد! با وجود این، همه افکارم در گیر دختر ۱۱ ساله و پسر ۱۴ ساله این مرد معناد بود که با دلسوزی ها و اقدامات قانونی عوامل انتظامی و به ویژه دکتر رحمانی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) تحویل کارشناسان اجتماعی بهزیستی شدند.

با خود می اندیشیدم حال یک ماه بعد مرد معناد از مرکز ترک اعتیاد اجباری مرخص می شود و به دل جامعه باز می گردد! آیا دیگر به سراغ مواد افیونی نمی رود؟ آیا جامعه او را به آغوش می کشد؟ آیا شغلی برای این گونه افراد فراهم است که بعد از ترک اعتیاد و تنها برای داشتن سرپناه، راهی پاتوق ها و حشنتاک استعمال مواد مخدر نشوند؟ چندسال بعد وقتی دختر ۱۱ ساله و پسر ۱۴ ساله بهزیستی را ترک کردند، به چه کسی پناه می برند؟ و در دام بازی سرنوشت، چه خواهند کرد؟ آیا هزینه هایی که برای ترک اعتیادهای اجباری صرف می شود، کار ساز بوده است؟ به راستی تصمیم گیران آسیب های اجتماعی، نمی دانند نیروی انتظامی و قوه قضاییه در خط پایان جرایم قرار دارند و باید فقط «مجازات» را پاسخگو باشند؟

روی سخنم با دولتیان و مجلسیان است؛ آنان که روزی باید در پیشگاه خداوند و مردم کارنامه خدمت گذاری به «فقر» و «آسیب دیدگان اجتماعی» را بر سینه نصب کنند تا از «پل صراط» بگذرند!

به نظر شما آیا اقدامات افرادی مانند «دکتر نبی» برای استخدام «سابقه داران» کافی است؟ پس حداقل در خلوت خود ببندیشید آسیب دیدگان اجتماعی بعد از درمان و بازگشت به جامعه چگونه زندگی می کنند؟...

آری با همه این سوالات بی پاسخ، با جیغی بنفش فریادی می زنم! جامعه مقصر است! تقصیر من و تو هم کمتر از آن مسئول بی خیال نیست! همه ما متهم هستیم!!

ماجرای این مرد معناد در ستون در امتداد تاریکی امروز با عنوان «اشک های سیاه» منتشر شده است.

**سید خلیل سجاد پور** - جوان ۳۰ ساله ای که در پی مرگ پسر ۴ ساله همسر صیغه ای اش دستگیر شده است، در حالی پای میز محاکمه ایستاد که برخی از رفتارهای شرم آور خود را انکار کرد و آن را یک ننگ دانست!!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای این پرونده جنایی از ششم مرداد گذشته زمانی آغاز شد که امدادگران اورژانس، پیکر نحیف و نیمه جان کودک ۴ ساله ای را به بیمارستان دکتر شریعتی رساندند اما تلاش کادر درمانی برای نجات «آرش کوچولو» بی نتیجه ماند و او بر اثر عوارض تکان دهنده و دلخراشی جان سپرد که بخشی از آثار شکنجه و کودک آزاری بر اندام مختلف وی نمایان بود.

در پی مرگ این کودک، بی درنگ تحقیقات قضایی گسترده ای با دستور ویژه قاضی محمدمزاده (دادستان شهرستان طبرقه شاندیز) آغاز و مشخص شد که «آرش کوچولو» پسر همسر صیغه ای جوانی است که به عنوان نگهبان در یکی از ساختمان های در حال احداث مشغول به کار است. طولی نکشید که «ضا» (متهم ۳۰ ساله) دستگیر و در حالی به مقر انتظامی منتقل شد که فرضیه کودک آزاری قوت گرفت.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، بررسی های مقدماتی قاضی ایروانی (بازپرس شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب طبرقه شاندیز) حکایت از آن داشت که کودک ۴ ساله احتمالا مورد کودک آزاری و رفتارهای شرم



آور قرار گرفته است. به همین دلیل از پزشکان قانونی خواست تا نقاط حساس پیکر کودک مذکور را مورد معاینات دقیق پزشکی قرار دهند. امدادسور قضایی، زوایای تکان دهنده و دلخراشی از این پرونده جنایی را در حالی فاش کرد که رئیس سالن تشریح پزشکی

قانونی برآزرو حشیاانه مهر تایید زد! از سوی دیگر اسناد و مدارک محکمه پسندی برصفحات این پرونده قضایی خوندنمایی کرد که دیگر قلم از بیان آن شرم دارد. در همین حال متهم به قتل کودک ۴ ساله، در بازجویی های تخصصی و قضایی با تایید آزار و اذیت های وحشیانه، ادعا کرد پسر همسر صیغه ای اش به علت سقوط از پله های ساختمان صدمه دیده و به همین دلیل هم جان باخته است!

متهم ۳۰ ساله همچنین صحنه رفتارهای شرم آور خود را نیز در حضور بازپرس ویژه قتل عمد بازسازی کرد و به تشریح جزئیات این ماجرای تکان دهنده پرداخت.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با انجام تحقیقات مقدماتی و در دادسرای عمومی و انقلاب طبرقه شاندیز، این پرونده جنایی با توجه به اهمیت و حساسیت خاص آن، به شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی ارسال شد و زیر نظر قضات با تجربه مور رسیدگی قرار گرفت.

متهم معناد که تصمیم گرفته بود تا آنچه را در مراحل بازپرسی اعتراف کرده است به صراحت انکار کند، در حالی مقابل قاضی هادی نینادیده (رئیس دادگاه) و قاضی محمدرضا جعفری (مستشار) ایستاد که مدعی بود اتهام آزار جنسی را قبول ندارد و آن را برای خودش لکه ننگ می داند!!

متهم به قتل جوان که در پاسخ به سوالات دقیق و مستند رئیس دادگاه، در تنگناهای استدلالی دست و پا می زد به ناچار هر بار داستان های باور نکردنی را برای خونریزی از نقطه حساس اندام کودک مذکور بازگو می کرد که موجب حیرت می شد! او در شرح ماجرای مرگ «آرش کوچولو» و رفتارهای شرم آور نیز به قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی گفت: یک سال قبل مادر این کودک (آرش) را به عقد موقت خودم در آوردم اما مادرک مستند یا صیغه نامه

## در جلسه دادگاه بررسی شد

# ماجرای تکان دهنده از مرگ «آرش کوچولو»



عکس ها اختصاصی خراسان

ای در این رابطه ندارم! همسر یک فرزند دختر هم دارد که نزدیکی از بستگان اوزندگی می کند ولی آرش را به خانه من آورد که در طبقه ای از یک ساختمان در حال احداث زندگی می کردم و همان جا هم نگهبان بودم. روز حادثه مادر آرش مثل همیشه از خانه بیرون رفت و من از کودک نگهداری می کردم که او دستشویی کرد، من هم رفتم و او را شست و شوادم! مدتی بعد باز هم خودش را خیس کرد و به او گفتم برو دستشویی! در حالی که خیلی از این کارهای آرش ناراحت و عصبانی بودم، شیلنگ دستشویی را به دست گرفتم و برای این که او را تنبیه کنم آن را...

متهم این پرونده جنایی ادامه داد: بعد از آن به خانه باز گشتم و من به استعمال مواد مخدر مشغول شدم. باز او در اطراف من فضولی می کرد که سیخ داغ را به پیش زدم اما او باز هم فریاد می کرد. دوباره «آرش» را به دستشویی فرستادم تا بعد خودم برای شستن او بروم. در همین هنگام صدای جیغ آرش را شنیدم و زمانی که از خانه بیرون رفتم او را دیدم که از پله ها سقوط کرده است! در حالی که «آرش» پوششی به تن نداشت، او را به آغوش گرفتم و به خیابان رفتم که یک خانواده ما نذرانی مرا به در مانگاه رساندند. البته قبل از آن من با اورژانس تماس گرفته بودم با این وجود پزشکان در مانگاه وقتی حال وخیم کودک

را دیدند، او را به بیمارستان دکتر شریعتی اعزام کردند. بر اساس گزارش روزنامه خراسان، در همین حال باز هم متهم جوان که متوجه شد قضات دادگاه ادعاهای او را درباره رفتارهای شرم آورش باور نکرده اند، داستان دیگری را بازگو کرد و مدعی شد زمانی که پیکر نیمه جان کودک را روی دست گرفته و به طرف خیابان می دویدم حادثه ناخواسته ای بر اثر لغزیدن انگشتان دستم رخ داده که احتمالا موجب صدمه به نقطه حساس از پیکر کودک شده است!!

وی در عین حال ماجرای رفتارهای وحشیانه و شرم آور انکار کرد و درباره آثار کودک آزاری نیز گفت: بخشی از سوختگی ها را قبول دارم که با سیخ داغ (بزار استعمال مواد مخدر) ایجاد شده است اما قسمتی از سوختگی ها هم به خاطر اشتباهی بود که آرش در باز کردن شیر داغ دوش حمام کرد و خراشیدگی های روی سر او هم به دلیل سقوط از پله ایجاد شده است!

به گزارش روزنامه خراسان، در پی اعترافات و اظهارات متهمی که مدعی است قرص های اعصاب و روان و مواد مخدر مصرف می کند، قاضی دنیا دیده به صدور قرار قانونی، وی را روانه زندان کرد تا تحقیقات تکمیلی بیشتر در این باره صورت بگیرد.



عکس اختصاصی خراسان

## دستگیری دزدی که موتور سیکلت پاکبان شهرداری را ربود!

بوزد ۴۲ ساله که به مواد مخدر نیز اعتیاد دارد، در ادامه اعترافش گفت: من بیکار و مجرد هستم و به خاطر تامین هزینه های اعتیادم ضایعات جمع آوری می کنم اما با دیدن موتور سیکلت و سوسه شدم و آن را ربوادم... گزارش روزنامه خراسان حاکی است: تحقیقات بیشتر درباره سرعت های احتمالی دیگر این جوان معناد در دایره تجسس کلانتری شفا ادامه دارد.

کوچه های تاریک گریخت؛ اما ماموران انتظامی او را با تعقیب و گریز ۲۰۰ متری دستگیر کردند و به مقر انتظامی انتقال دادند. این مرد جوان که با دستور و نظارت مستقیم سرگرد احسان سیکبار (رئیس کلانتری شفا) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بود، به افسر دایره تجسس گفت: موتور سیکلت را از منطقه احمدآباد سرعت کرده ام که متعلق به یکی از پاکبان های شهرداری

**سجاد پور** - دزدی که موتور سیکلت پاکبان شهرداری را سرقت کرده بود، هنگام گذر از حوزه استحفاظی کلانتری شفا مشهد به دام افتاد. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران گشت کلانتری شفا هنگام انجام وظیفه در خیابان حر عاملی ۶۸، به موتور سوار جوانی برخورد کردند که با مشاهده خودروی پلیس، وحشت زده موتور سیکلت را رها کرد و با پای پیاده به

## بازداشت چند مدیر در حادثه مرگ یک کارگر در معدن مس سرچشمه

**توکلی** - دادستان رفسنجان از بازداشت ۳ نفر از مسئولان مرتبط با مرگ یک کارگر در معدن مس سرچشمه رفسنجان خبر داد.

به گزارش خراسان، قاضی علیرضا محمدی در تشریح جزئیات بازداشت ۳ نفر از مسئولان مرتبط با حادثه مرگ یک کارگر در معدن مس سرچشمه اظهار کرد: متأسفانه شاهد سومین حادثه منجر به فوت کارگران در ۴۰ روز گذشته در شرکت مس بوده ایم و به همین علت طی بازدید از محل وقوع حادثه و بررسی علت حادثه سه نفر از مسئولان مرتبط با این حادثه بازداشت شدند.

وی ادامه داد: به دنبال حادثه ای که در تاریخ ۱۹ شهریورماه امسال در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان رخ داد، بازدید میدانی از محل وقوع حادثه داشتم و از نزدیک موضوع مورد رسیدگی قرار گرفت.

این مسئول قضایی افزود: در این خصوص پرونده قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان رفسنجان تشکیل شده است و پرونده به صورت ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

وی خاطر نشان کرد: در این حادثه قصوری از ناحیه شرکت پیمانکاری بوده و علت و عوامل حادثه همچنان در حال بررسی است و به محض روشن شدن موضوع حتما دستگاه قضایی با افراد خاطی و

مقصر در این حادثه در هر سطح مدیریتی قاطعانه و با جدیت بدون اغماض برخورد خواهد کرد.

دادستان در پایان تأکید کرد: شرکت های پیمانکاری موظف اند آموزش های لازم را قبل از کار و حین کار با نظارت ایمنی انجام دهند و به طور کامل دستگاه های نظارتی با جدیت این موضوع را دنبال کنند.

روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان هم اعلام کرد: در پی حادثه ای که در معدن مجتمع مس سرچشمه رفسنجان رخ داد و منجر به فوت یکی از رانندگان پیمانکاری گردیدر شد، دادستان شهرستان رفسنجان دستور بازداشت سه نفر از مسئولان مرتبط را صادر کرد.

این حادثه در ساعت ۱۴ روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه رخ داد و بررسی های فنی برای تعیین علت دقیق حادثه در حال انجام است.

دادستان رفسنجان از محل حادثه بازدید کرد و جلسه ای برای بررسی علت حادثه برگزار شد.

این بازداشت به علت بررسی و پاسخگویی به سوالات مربوط به حادثه و تعیین مسئولیت های احتمالی در وقوع این حادثه بوده و مجتمع مس سرچشمه رفسنجان بنابر بر وظایف قانونی و مسئولیت پذیری خود، همکاری کامل را در این زمینه خواهد داشت.

در امتداد تاریکی

## اشک های سیاه!

**سید خلیل سجاد پور** - ۴ ماه قبل که همسرم از دنیا رفت، من و دو فرزندم را هم از نگهبانی یک مجتمع ویلایی اخراج کردند؛ این بود که دیگر جا و مکانی برای زندگی نداشتم و در کنار دیوار باغ ها و کوچه های اطراف روستاها روز و شب را سپری می کردم اما...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات مرد ۴۳ ساله معنادی است که در پی تماس های مردمی با پلیس، به همراه دختر ۱۱ ساله و پسر ۱۴ ساله اش به پاسگاه انتظامی فردوسی مشهد هدایت شده بود؛ چرا که برخی از اهالی محل مدعی بودند آن ها در شرایط بسیار نامتعارف و بدنامی زندگی می کنند. آن ها هیچ گونه لوازم و یا محلی برای سکونت نداشتند و کنار دیوار یک باغ روزه های تلخ و سختی را می گذراندند. به همین خاطر گروهی از ماموران انتظامی با دستور سروان مصطفی حسینی (رئیس پاسگاه انتظامی) مأموریت یافتند تا آن ها را پیدا کنند و به مرکز انتظامی انتقال دهند. مرد ۴۳ ساله درباره سرگذشت خود به ماموران انتظامی گفت: تا ۴ ماه قبل که همسرم زنده بود، در باغ ویلا ها به عنوان نگهبان و سرایدار زندگی می کردم چرا که همسرم کارها را انجام می داد و من هم مشغول استعمال مواد مخدر بودم. ولی ناگهان همسر بیمار شد و در مرکز درمانی جان سپرد. از آن روز به بعد مرا از نگهبانی باغ اخراج کردند؛ این بود که به همراه دختر و پسر نوجوانم در کوچه های روستا و اطراف باغ ها سرگردان شدم چرا که اقوام و آشنایان هم مرا به خاطر سرعت ها و اعتماد نمی پذیرفتند و مرا مردی دست کج می خواندند.

در همین حال پسر ۱۴ ساله مرد معناد نیز گفت: چند سال است که به مدرسه نمی رویم چون پدرم نمی توانست هزینه های تحصیل ما را بدهد. مادر من نیز به خاطر رفتارهای پدرم سکته کرد و این گونه همه امید ما بر باد رفت. مادرم همه کارهای مردانه و زنانه را در باغ انجام می داد تا حداقل مکانی برای زندگی داشته باشیم! امروز که او از دنیا رفت...

بعضی تلخی گلو، پسر کار افشرد و اشک های سیاه بر گونه های آفتاب سوخته اش سرازیر شد. او در میان اشک و بغض ادامه داد: چند ماه است که رنگ غذای گرم را ندیده ام و حتی یک بار هم گوشت نخورده ایم. هیچ گاه پوشاک و خوراک مناسبی نداشتم و از ترس پدرم فقط با آه و حسرت و اشک زندگی کرده ایم. پسرک دیگر نتوانست به صحبت هایش ادامه دهد چرا که

۴۳ ساله وقتی فهمید که قرار است به مرکز ترک اعتیاد منتقل شود به سوی دختر و پسرش هجوم برد تا آن ها را خفه کند! که با عکس العمل سریع عوامل انتظامی روبه رو شد و حلقه های قانون بر دستانش گره خورد.

در همین حال رئیس پاسگاه در تماس با قاضی دکتر اسماعیل رحمانی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) علاوه بر مرد معناد متجاهر، برای دو فرزند وی نیز کسب تکلیف کرد که با دستور مقام قضایی، دختر و پسر مذکور هم با حضور کارشناسان اجتماعی روانه بهزیستی شدند تا شاید آیند و سرنوشت آن ها تغییر کند اما آیا این گونه خواهد شد؟!

**ماجرای واقعی در پشت صحنه خبر نگاری**

## شلیک مرگبار در پارک

**متهم: به قصد ترساندن به سمت قربانی شلیک کردم**

**توکلی** - فردی که در یک نزاع مسلحانه، جوان قلعه گنجی را در یکی از پارک های این شهرستان به قتل رساند، بازداشت شد. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب قلعه گنج بیان کرد: قاتل به دلیل اختلاف و نزاعی که با جوانی از قبل داشته است، حدود ۲ ماه قبل باتهییه سلاح شکاری غیرمجاز در یک پارک با مقتول درگیر شد که در نتیجه اصابت گلوله و خونریزی زیاد این جوان قبل از رسیدن به بیمارستان به علت شدت جراحات جان خود را از دست داد. قاضی کیومرث قاسمی ادامه داد: متهم جوان، بلافاصله از محل و صحنه جایت فرار می کند که در نهایت عصر پنج شنبه گذشته در یکی از شهرستان های استان کرمان تسلیم قانون شد. وی گفت: این متهم در بازجویی های اولیه خود اعتراف کرد فقط به قصد ترساندن به سمت مقتول شلیک کرده و قصد قتل نداشته است. این مسئول قضایی هشدار داد: وجود و در دسترس بودن سلاح گرم و غیرمجاز در بین جوانان و نوجوانان عواقب خطرناک و غیرقابل جبرانی به ویژه در درگیری ها به همراه دارد.

## ۵ کشته در برخورد مرگبار پراید با پژو ۴۰۵



حادثه مرگبار و انندگی پنج کشته بر جای گذاشت.

به گزارش خبرآنلاین، رئیس پلیس راه استان اردبیل از وقوع حادثه رانندگی برخورد سواروی پراید با سواروی پژو ۴۰۵ در محور اردبیل - سرچم خبر داد و گفت: این حادثه پنج کشته بر جای گذاشت. بنابر گزارش ایلنا از پلیس، سرهنگ «وحید علیپور» اظهار کرد: در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع حادثه رانندگی در محور اردبیل - سرچم نرسیده به سه راهی «فیروزآباد»، بلافاصله ماموران پلیس راه با همراهی ماموران انتظامی به محل

اعزام شدند.

وی افزود: ماموران انتظامی و پلیس راه با حضور در محل مشاهده کردند این حادثه به علت برخورد شدید سواروی پراید با سواروی پژو ۴۰۵ روی داده که بر اثر آن دو نفر در سر صحنه حادثه جان باختند و ۳ نفر دیگر پس از انتقال به بیمارستان و علی رغم تلاش کادر درمان جان خود را از دست دادند.

رئیس پلیس راه استان اردبیل تصریح کرد: علت این حادثه بی احتیاطی از جانب راننده خودروی ثالث ناشناس متواری از صحنه به علت عدم توجه کامل به جلو به جهت برخورد با عقب

راست سواری پراید و در تعاقب آن چرخش سواری پراید حول پهلوی چپ در لاین مخالف و برخورد پهلوی راست آن با سواروی پژو ۴۰۵ که در لاین و مسیر مجاز خود در حال حرکت بوده؛ اعلام شده است. سرهنگ علیپور در خاتمه با اشاره به این که ماموران پلیس راه با حداکثر توان و بهره مندی از امکانات، امنیت ترافیکی و آرامش و ایمنی سفر را تامین می کنند، خاطر نشان کرد: پلیس همواره بر قانونمندی رانندگان و پرهیز از ارتکاب تخلفات حادثه ساز در کنار اهمیت و ضرورت ایمن سازی جاده ها تأکید داشته و دارد.